دوم نموده جز سید ... میگوید وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهِیْمُ ویاد کن آنرا که گفت یعنی دعا کرد ابراهیم برینوجه که رَبِّ اجْعَلْ ای پروردگار من
بگردان هٰذَا بَلَدًا اٰمِنًا شهری ایمن از قحط وخسف ومسخ یا اهل وی ایمن از جور مستغلبان محققان گویند این دعا ظاهری دارد وباطنی
صورتش آنست که هرکه درین شهر آید او را از عذاب خویش ایمن کن ودلش را بآب آتش قطیعت مسوز وَّارْزُقْ اَهْلَهٗ وروزی ده
اهل این بلد ومقیمان او را مِنَ الثَّمَرٰتِ از میوه این جهان ومیوه اینجا عامست هر محصولی را که از زمین واشجار بیرون آید پس این سوال
طعام وفواکه باشد علی العموم وگفته اند مراد حصول فواکه است چه طعام در همه موضع باشد ومیوه در بعضی اماکن عزیز بود ودر تیسیر آورده
که خدای تعالی دعاء ابراهیم مستجاب گردانید وحکم نمود تا جبرئیل دهی از دههای فلسطین که مشتمل بود بر ثمرات بسیار از زمین
منقطع گردانید وهفت بار آنرا برحوالی خانه طواف داده در زمین تهامه بر سه مرحله از مکه وضع کرد وآن موضع را طایف
گویند که طواف خانه نموده والتماس ابراهیم بنعمت دینی راجعست آن بوده که بدان استعانت جویند در کار دین وقوت
گیرند در عبادت رب العالمین چه وجود امنیت وحصول زاد موجب فراغت بال باشد در پرستش پس تخصیص میکند رزق را
بمؤمنان ومیگوید مَنْ اٰمَنَ بدل است از اهله واول بر عموم گفت روزی ده مارا واهل بلده را باز بخصوص گفت هرکه ایمان آرد
مِنْهُمْ بِاللّٰهِ از ایشان که درین شهر باشند بخدای وَالْیَوْمِ الْاٰخِرِ وبروز بازپسین که قیامتست ودرخواست اختصاص رزق
بمؤمنان جهت ترغیب کفارست باسلام یا آنکه خواست آنرا که کافران تناول نمایند بسبب قوت ایشان شوند وآن قوت
بفسق وفجور صرف نمایند یا آنکه چون حکم بتطهیر بیت از برای اهل ایمان بود وسعت رزق نیز برای ایشان واقع شده
یا چون در سوال امامت تعمیم کرده بود وصیت مقر عهد لاینال وعهدی مشاهده نموده اینجا ادب نگاه داشت وخاص عام
فروگذاشت قَالَ گفت خدای وَمَنْ كَفَرَ وهرکه کافر شود من روزی از وباز ندارم چه دنیا ومتاع آنرا در حضرت ما قدری وقیمتی
نیست آشنا وبیگانه را از آن نصیبست بیت لوت بر لوست خان برخان مدام ؛ از برای این شکم خواران عام نعمت
دینی چون نعمت دین منیت یعنی امامت که آن بزرگ ماسان وآشنایان نرسد اگر بیگانه بود فَاُمَتِّعُهٗ قَلِیْلًا پس او را برخوردار
اندکی یا اندک زمانی برخوردار باشند واگر بتخفیف خوانند معنی این بود که او را خداوند متاع گردانم در ایام عمر او که بحقیقت
زمانی اندکست وگفته اند مهلت دهم او را تا وقت خروج حبیب من که محمدست صه آن زمان اگر ایمان آرد او را باقی دارم
ودر مکه بگذارم واگر از کفر باز گردد بقتل جلا عقوبت کنم ثُمَّ اَضْطَرُّهٗ پس آن کافر را بدرماندگی وبیچارگی وناکامی
برانم وبدبختی وکراهت وضرورت ملحق گردانم اِلٰی عَذَابِ النَّارِ بعذاب دوزخ ، در قیامت ذکر اضطرار دلیلست که ایشان
بطریق اکراه واجبار بدوزخ برند نه آنکه خود بطوع ورغبت روند یوم یدعون الی نار جهنم دعا وَبِئْسَ الْمَصِیْرُ وبد مرجعیست دوزخ
در حقایق سلمی آمده که ابراهیم روح از پروردگار خود درخواست که بلد جسد را که کعبه دل در اوست ایمن گردان از تصرفات
هوای نفس وغوغای غوای شیطان واین بلد را که قوی ومشاعر اند از ثمرات عبودیت بسعت رزق محظوظ سازد اختصاص
ده آنرا که بامر ونهی باز ایستند خطاب آمد که هرکه از ایشان محجوب وغافل ماند فی افتد او را از تمتعات جسمانی ولذات حیوانی در مدت

زندگانی

زندگانی ممتع سازم آنگاه بیچاره وارش از آتش قطیعت در دوزخ حرمان بسوزم بیت هرکه بی سوز عشق زندگانی بی تکلف سرای محنت
بعد ازین دعا وذکر دعای کرده اند که ابراهیم واسمعیل فرموده اند چون بعد از فراغت از خانه کعبه بود اول بیان رفت آن میباید
ومیفرماید وَاِذْ یَرْفَعُ یاد کنید آنرا که چون برداشت وظاهر گردانید ابراهیم الْقَوَاعِدَ اصلها واساسها یا جدارها مِنَ الْبَیْتِ از خانه
کعبه الصباح بعد از ابهام دلالت بر تفخیم شان خانه دارد ومیشاید که مراد از رفع قواعد آن باشد که ابراهیم رفعت داد ومرتبه خانه
وشرف او ظاهر گردانید بتعظیم وتکریم وخواندن خلق بزیارت آن وَاِسْمٰعِیْلُ عطف بر ابراهیم ودر معالم گوید وجه تسمیه او باسمعیل
آنست که ابراهیم از خدای درخواست تا او را فرزندی ارزانی دارد ومیگفت اسمع یا ایل یعنی اجابت کن ای خدای چون اسمعیل متولد شد
بهمان کلمه او را مسمی گردانید وبعبری ایشمعیل گویند یعنی آیت امنیت که اسماعیل در رفع قواعد شریک ابراهیم بود که سنگ
جمع می آورد وبدست پدر میداد وگویند که هر یک طرفی از خانه میساختند یا بعون کار میکردند القصه ساختن خانه برای
که بصحت اقرب باشد آنست که خدای تعالی پیش از آنکه بساط بسیط زمین را بگسترانید بدو هزار سال قطعه خاک پاک
بشکل کف سفید بر روی آب پیدا فرمود وبوقت آنکه ارض بزرگ ترمیگردانید تا بمقدار خانه کعبه شد پس فرشتگان را
فرمان داد تا گرد آن طواف میکردند بعد از آن زمین را از زیر آن بیرون آورد ومبسوط ساخت وآن موضع مطاف ملایکه بود
تا وقتی که آدم بدینی آمد بر کوه سراندیب قرار گرفت هرگاه از منازل انس ومعارج قدس یاد کردی در گریه افتادی وپنجاه از گریه
وزاری در بیت الاحزان غم وسوگواری دستگیری نداشت بیت چشم که میت ای حنیل غم عفاک امده که روز بیکسی
بگیرد ای زسرم ؛ غلام مردم چشم که با سیاه دلی ؛ هزار قطره ببارد چو درد دل شمرم ؛ جبرئیل امین شرح تالم خاطر ...
باطن آدم بموقف عرض رسانید وفرمان کبریا در رسید که خانه از یک پاره یاقوت که حضرت نام او بیت المعمور لقب
اجلال واکرام ماست از عالم غیب بجهان لاریب بزمین بر ودر نقطه وسط که محل بنای کعبه معظمه خواهد بود وضع کن وآدم را
بگو تا بعزم زیارت آن خانه قدم صدق در راه شوق نهد وبدیدن آن منزل دلگشای که سرشت که یکی از قصور بهشت است دل
غمگین را تسکین دهد بیت ای گل بتو خورسندم تو بوی کسی داری ؛ روح القدس بموجب فرموده خانه معین را بمکانی
معلوم رسانید ورکن حجر که یاقوت سفید باشعاع بود از روضه جنت آورده کالقفل خاتم در موضعی که حکم بود استوار کرده
قندیلها از قنادیل بهشت در آن خانه بیاویخت ، ودو در از زمرد سبز در جهت شرقی وغربی ترتیب داد وابو البشر را
خطاب در رسید که برو بزیارت خانه من وچنانکه مشاهده نمودی که ملایکه بر حوالی عرش طواف میکنند تو نیز گرد آن طوف
سیمانی پس آدم بدان موضع آمد وجبرئیل در امناسک حج وآداب عمره در آموخت وآن شغل عظیم تلقین روح الامین
بانجام یافت وملایکه استقبال نمودند ومشاهده کرده گفتند بر حج ای آدم حج تو مقبول باد ، ما پیش ازین موضع را
از تو بدو هزار سال طواف کرده ایم القصه چهل بار آدم حج گذارد وهر نوبت پیاده از زمین هند بمکه آمدی وبسیار آورده که چون
آدم وفات کرد آن خانه که جهت کرامت او بزمین آورده بودند باسمان باز بردند وشیث علیه السلام بر موضع خانه

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)